

Noor Asharaf

Assistant Professor (Guest Faculty)

Dept. of Persian, MMHAPU, PATNA

Email: ashrafjnu@gmail.com

E-Content

Sem-1, Paper code: 102

Persian (M A)

Topic: Samanid Literature

خاندان سامانی یکی از خاندانهای اصیل ایران است که نسل آن به بهرام چوبین سردار معروف ساسانی می رسید. شاهان این خاندان در احترام به میهن و بزرگداشت مراسم ملی و احیاء سنن قدیم ایران و علمی الخصوص در ترویج زبان پارسی کوشش بسیاری بکار می بردند. دوره سامانی، دوران رستاخیز، عصر خردگرایی و زمان احیای تفکر عقلانی است. در این دوره به همت اهالی فرهنگ دوست و وزیران دانشمند، نهال علم، دانش، فرهنگ و فلسفه بالید و به بار نشست و بوی خوش دانش و معرفت آنان نه تنها در تمامی جهان آن روزگاران پیچید که شمیم آن تا به امروز جان دانش را تازگی و شادابی بخشیده است. در واقع سامانیان در احیای زبان و ادب گذشته ایران، تلاشی وقفه ناپذیر داشتند از یک طرف به تقویت و گسترش زبان پارسی از طریق تشویق شاعران، نویسندگان و مترجمان در به وجود آوردن آثاری به زبان فارسی پرداختند و از جهتی دیگر دلبستگان به فرهنگ و تمدن ایرانی را به پدید آوردن.

سلاطین سامانی در دوران قدرت خود بسیاری از آداب و رسوم دیرین ایرانیان را، که در خراسان و ماوراءالنهر باقی مانده بود، بار دیگر احیاء کردند. به زبان فارسی و نظم و نثر علاقهای فراوان نشان دادند و کتب گرانبها و سودمندی نظیر تاریخ طبری و کلیله و دمنه عبدالله بن مقفع به دستور آنان ترجمه شد. در زمان سامانیان، فارسی دری که در حقیقت دنباله زبان پهلوی دوران ساسانیان بود، زبان رسمی دولت و دربار شد و شاعران نامداری چون رودکی و شهید بلخی و دقیقی، ابوالحسن شهید بلخی، حکیم کسایی مروزی، رابعه بنت کعب قزداری و ابو شکور بلخی و غیره پیدا شدند. کلیله و دمنه پهلوی مدروس شده و

ممکن است مردم ایران بر اثر رغبتی که بدان دارند از ترجمه عربی آن که به دست عبدالله پسر مقفع صورت گرفته بود استفاده کنند، به ترجمه آن از تازی به نثر پارسی فرمان دادند و این کار در عهد سلطنت نصر بن احمد سامانی (301-331 هجری) انجام شد و سپس به همت وزیر او ابوالفضل بلعمی، رودکی شاعر مشهور آن را از نثر به نظم پارسی در آورد و یا چون دو کتاب مشهور محمد بن جریر الطبری یعنی تاریخ الرسل و الملوک و جامع البیان فی تفسیر القرآن او در خراسان شهرت یافت.

ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی، استاد شاعران جهان و شاعر پرآوازه ایران زمین، به عنوان بنیانگذار قالب‌ها و شیوه‌های شعر و زنده‌کننده و گسترش‌دهنده زبان پارسی از مشهورترین شاعران دوره سامانی است که تفکرات فلسفی و اندیشه‌های ناب عقلانی را با ذوقی شاعرانه، آمیزه خود کرد، به طوری که از همین اشعار بازمانده، می‌توان صریحا اظهار نظر کرد که او شاعری عقل‌گرا و متفکری صاحب اندیشه‌های عقلانی بوده است. در یکی از سفرهای امیر که رودکی نیز با او همراه بود، منطقه‌ای خوش آب‌وهوا نظر امیر را جلب کرد و فرمان داد که در آن منطقه خیمه و خرگاه برپا کنند و چون که در آن مکان به امیر خوش گذشت، اقامتش در آنجا طولانی شد و بزرگان هم‌رکاب امیر را یارای یادآوری لزوم مراجعت به بخارا نبود. پس دست به دامان رودکی شدند تا در شعری امیر را متوجه بخارا کند. رودکی شعر بوی جوی مولیان را فی‌البداهه و با نواختن چنگ به سمع امیر رساند. امیر را آن‌چنان شوق دیدار بخارا دست داد که گویند بدون پای‌پوش پا بر رکاب گذاشت و تا بخارا تاخت و آن شعر چنین بود:

بوی جوی مولیان آید همی	یادِ یارِ مهربان آید همی
ریگ آموی و درشتی راه او	زیر پایم پرنیان آید همی
آب جیحون از نشاط روی دوست	خنگ ما را تا میان آید همی
ای بخارا شادباش و دیر زی	میر زی تو شادمان آید همی
میر، ماه است و بخارا آسمان	ماه سوی آسمان آید همی
میر، سرو است و بخارا بوستان	سرو سوی بوستان آید همی
آفرین و مدح و سود آید همی	گر به گنج اندر زیان آید همی